

کتاب خریدن، باید یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود.
آیت الله خامنه ای



ضرورت آسیب شناسی تولید، توزیع، و به ویژه سرانه‌ی مطالعه‌ی کتاب‌های آموزشی و کمک درسی و غیردرسی در مدرسه‌ها

محمدعلی باطنی

اشاره

نگارنده به درستی بر این واقعیت پای فشرده است که تحول و پیشرفت در یک مجموعه، منوط به مشاهده‌ی این تحول در همه‌ی مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی آن مجموعه است. در نتیجه، آسیب شناسی آن پدیده نیز از طریق تحلیل مسائل و مشکلات مؤلفه‌های آن میسر است. وی تصریح دارد که در سال‌های اخیر، اقدامات مؤثری در دو بخش تولید و توزیع کتاب صورت گرفته‌اند. البته هنوز هم جای کادر این بخش وجود دارد. اما این همه، تنها مقدمه و ابزاری برای ارتقای مؤلفه‌های سوم، میل و رغبت دانش آموزان به مطالعه محسوب می‌شوند. در این مقاله کوتاه نویسنده پیشنهاد خود را نیز به صورت مختصر ارائه کرده است.

بی شک فناوری ایجاد شده در اطلاعات در هزاره‌ی سوم، امکان دسترسی آسان به انبوه اطلاعات و دانش از طریق شبکه‌های رسانه‌ای و آموزشی جهان، بهره‌مندی دانش‌آموزان از دنیای مجازی آموزش از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های بین‌المللی، و افزایش روبه‌رشد آموزش‌های از راه دور در دوره‌های تحصیلی مدرسه‌ای و نیز دانشگاه‌ها و شبکه‌های دولتی و خصوصی، و توسعه‌ی آن در آینده در تمامی کشورها و نیز ایران، ما را از تولید کتاب، نشریات و... بی‌نیاز نخواهد کرد و کتاب به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع آموزشی و تربیتی، در کنار دیگر نرم‌افزارهای نوین خودنمایی خواهد کرد. ولی آنچه تعلیم و تربیت موجود را به چالش کشانده و در آینده ممکن است مورد تهدید جدی قرار دهد، چگونگی مدیریت این دانش از نگاه مخاطبان و نیاز واقعی آنان است. این مدیریت نیازمند تغییر و رویکردی اساسی در سه بخش تولید، توزیع، و سرانه و شیوه‌ی مطالعه و انگیزه‌ی مخاطبان است.

هرچند در سال‌های گذشته در زمینه‌ی تولید کتاب‌های درسی، کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی، شاهد تنوع و تکثر در نوع و محتوای کتاب‌ها، واگذاری تألیف کتاب به استان‌ها، سیاست‌های چند تألیفی برای هر درس، تغییر و تحول در روش‌ها و شیوه‌های ارزشیابی، توسعه و

تعمیم پژوهش‌های دانش‌آموزی و تلاش برای تغییر جهت نظام آموزشی کشور از حافظه‌محوری به تفکر پویا و خلاق بوده‌ایم و در جهت خودیادگیری و خودارزشیابی برای تولید دانش توسط دانش‌آموزان گام‌های مهمی برداشته شده، ولی حقیقت این است که:

اولاً، این اقدامات منسجم و مرتبط با یکدیگر در یک سیستم هدفدار و پیوسته به هم نیستند، به گونه‌ای که هر کدام از اقدامات فوق و موارد مشابه آن، همچون قطعات یک پازل نقش و جایگاه ویژه‌ی خود را در مجموعه‌ی هدف‌های موردنظر دنبال کند؛

ثانیاً، کندی و تأخیر در فرایند توسعه و تعمیم هر یک از فرایندهای گفته شده به گونه‌ای است که گاه با جابه‌جایی مدیران، مشکلات اجرایی و مدیریتی در سیستم کند اداری و... تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هر یک از محورهای نیمه‌کاره‌ها می‌شود، یا تغییر ماهیت می‌دهد و بعد از چند سال به گونه‌ای دیگر، کار به صورت جزیره‌ای و بدون ارتباط با دیگر اجزای دنبال می‌شود.

برای نمونه می‌توان از بحث تلفیق در نظام تعلیم و تربیت، بحث طرح جامع مهارت‌های زندگی، طرح تعمیم و مشارکت معلمان و طرح کاد نام برد. برای بررسی علمی فرایند تولید کتاب‌های درسی، آموزشی و کمک‌آموزشی و ارتباط آن‌ها با نیاز واقعی مخاطبان و هدف‌های موردنظر و



واقع شده است، بررسی سرانه‌ی مطالعه و بهره‌مندی از کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی و غیردرسی، اعم از کتابخانه‌های مدرسه‌ها و کتابخانه‌های شخصی دانش‌آموزان است. متأسفانه باید اذعان کرد، اقدامات و تغییرات و رویکردهای به عمل آمده در دو بخش تولید و توزیع کتاب که در جای خود امری بسیار ضروری و لازم می‌نماید، در حقیقت مقدمه و ابزاری است برای ایجاد میل و رغبت در دانش‌آموزان به مطالعه،

ارتباط موارد مزبور با یکدیگر، به پژوهش‌های مستمر از نگاه مسؤولان، معلمان، مربیان و دانش‌آموزان نیاز داریم. همچنین، در بخش توزیع کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی، براساس شواهد و مستندات آماری مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت، انتشارات مدرسه و... سرانه‌ی کتاب مدرسه‌ها به ازای هر دانش‌آموز به هفت جلد رسیده است. به علاوه، تنوع در موضوعات و انتخاب کتاب، افزایش نمایشگاه‌ها و حضور مدرسه‌ها در برگزاری نمایشگاه کتاب، و افزایش کتابخانه‌های کلاسی و تشویق والدین به اهدای کتاب به مدرسه‌ها، از اقدامات ارزشمندی است که در سال‌های گذشته شاهد آن بوده و هستیم. با این حال، هنوز نیاز به توسعه، تعمیم و بازنگری بیش‌تری در همه‌ی مؤلفه‌ها در خصوص توزیع کتاب وجود دارد.

اما آنچه که بیش از تولید و توزیع مورد غفلت خواسته یا ناخواسته



و تا زمانی که مطالعه عمیق، همه جانبه، معنی دار و با انگیزه نشود، نمی توان توسعه و تعمیم پژوهش های دانش آموزی، تفکر خلاق، بارش فکری و خروج نظام آموزشی از حافظه محوری و توسعه ی مهارت های زندگی را در دانش آموزان طلب کرد یا از آنان انتظار داشت. از این رو باید در دستگاه تعلیم و تربیت و سازمان های فرهنگی و انتشاراتی وابسته به آموزش و پرورش و نیز خصوصی، میزان سرانه ی مطالعه و بهره مندی از کتاب برای دانش آموزان به عنوان مسأله ای جدی مورد توجه قرار گیرد و علل و عواملی که از جنبه های محتوایی، اقتصادی، نیاز مخاطبان، روش های تدریس، ارزشیابی، فضا، نور، شیوه های مطالعه و... با این موضوع ارتباط دارند، در پژوهش های گوناگون و مستمر، ارزیابی شوند و در سیستم تولید و توزیع، اصلاحات لازم به عمل آید. چنانچه به هر دلیلی، متولیان چرخه ی تولید و توزیع به شاخص ها و مقررات وضع شده ی مورد توافق توجه نکنند، با توافق بخش خصوصی و دولتی، اقدامات حذفی و تنبیهی وضع و اعمال شوند تا عملاً چرخه ی تولید و توزیع در راستای هدف های آموزش و پرورش قرار گیرد. بدیهی است، زمانی می توانیم اقدامات انجام شده در بخش تولید و توزیع را موفق

ارزیابی کنیم که ضلع سوم آن، یعنی سرانه و شیوه ی مطالعه ی دانش آموزان، در ارتباط تنگاتنگ و معنی دار با سرمایه گذاری انجام شده در دو بخش دیگر باشد. این جانب در طول ۲۵ سال سابقه ی آموزشی، تربیتی و اجرایی، و بازدید از مراکز آموزشی و تربیت معلم و دانش سراها و مدرسه ها، شاهد بوده ام که در بعضی مراکز آموزشی شبانه روزی، با وجود ۱۷۵ هزار جلد کتاب، ۶ کتابدار و ۸۰۰ دانشجو- معلم، روزانه میانگین مطالعه کنندگان در کتابخانه ۸ نفر بوده است؛ در حالی که آن مرکز، از لحاظ تنوع و محتوا، منابع و فضای فیزیکی جذاب برای مطالعه، از بهترین شرایط بهره مند بوده است!؟ در حقیقت، سرمایه ی عظیم مادی و معنوی، به نوعی به دلیل مقررات سخت اخذ کتاب، بی تجربه بودن کتابداران و... بدون استفاده مانده است. از این رو مدیریت تولید دانش برای هدف های مورد نظر باید در سه ضلع مستمر و پیوسته با یکدیگر، در بخش تولید، توزیع و میزان سرانه ی مطالعه، به طور جدی مورد توجه مسؤولان و دست اندرکاران قرار گیرد و قطعاً بهره مندی و اتخاذ شیوه های مناسب برای ارتقای سرانه ی مطالعه ی دانش آموزان باید در یک فرایند مورد توجه قرار گیرد. ان شاء الله.